



## درس خارج فقه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - السابع: الحلال المختلط بالحرام ...

تاریخ: ۲۶ دی ۱۳۹۶

موضوع جزئی: مسأله سی و یکم - اختلاط حلال متعلق خمس به حرام

مصادف با: ۲۸ ربیع الثانی ۱۴۳۹

سال هشتم (سال پنجم خمس)

جلسه: ۵۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

### مسأله ۳۱

«لو كان الحلال الذي في المختلط مما تعلق به الخمس وجب عليه بعد تخميس التحليل خمس آخر للمال الحلال الذي فيه، و له الاكتفاء بإخراج خمس القدر المتيقن من الحلال إن كان أقل من خمس البقية بعد تخميس التحليل، و بخمس البقية إن كان بمقداره أو أكثر على الأقوى. و الأحوط المصالحة مع الحاكم في موارد الدوران بين الأقل و الأكثر».

### موضوع بحث

در مسأله ۳۱ بحث در مال حلال مخلوط به حرام است؛ لکن آن چه تا به حال مورد بحث بود، معطوف به خود حرام بود. عرض شد این حرام، یک وقت مال یک شخص است و یک وقت مال یک عنوان کلی است، مثل موقوف علیه یا فقرا یا امام (ع). تا این جا بحث معطوف به آن بخشی از مال بود که حرام است. در مسأله ۳۱، بحث معطوف به آن بخش حلال مال است؛ به این معنا که اگر در یک مال حلال مخلوط به حرام، خود آن مال حلال متعلق خمس باشد، این جا آیا تخمیس مره واحده کافی است یا باید دو خمس داده شود؟

مثلاً مالی داشته که از راه کسب و کار بدست آورده و فایده برده است. قهراً اگر از این مال حلال، مؤونه‌ها را کسر کند و سال به آن تعلق بگیرد، متعلق خمس است. ولی این شخص خمس مال را پرداخت نکرده است. حالا این مال حلال غیر مخمس که می‌بایست خمس آن داده شود، با یک حرام مخلوط شده است. قهراً این جا به عنوان مال مختلط به حرام [اگر شرایط آن موجود باشد] باید خمس دهد. اما سؤال این است که آیا خمسی که این شخص باید بدهد تا مال او پاک شود، کافی است و دیگر لازم نیست خمس متعلق به بخش حلال مال را بدهد یا اینکه هم خمس مال حلال مخلوط به حرام [یعنی کل مال] و هم خمس ثابت شده از قبل که متوجه به حلال بوده، را باید بدهد؟

پس این جا در واقع بحث در مال حلالی است که قبل از اختلاط با حرام، خمس به آن تعلق گرفته ولی این شخص خمس آن را نداده است. آن گاه این مال، با حرام مخلوط شده است. می‌خواهیم ببینیم در این جا همین که گفته شده در مختلط به حرام خمس بدهد و این باعث تطهیر مال می‌شود، او را از آن خمسی که قبل از اختلاط متوجه‌اش بوده، کفایت می‌کند یا اینکه باید دو بار خمس دهد؟ یکبار به عنوان تطهیر مال مختلط با حرام و یکبار هم به عنوان وظیفه‌ای که از قبل به عهده بوده و متوجه مال حلال او بوده است.

بر این اساس، اگر قائل شدیم یک خمس کافی است، بحثی نیست. اما اگر گفتیم دو خمس باید دهد، یکبار به عنوان مال حلال مخلوط به حرام و یکبار هم به عنوان تکلیف ثابت شده از قبل، آن وقت بحث پیش می‌آید که چگونه این دو خمس

را بدهد؟ ابتدا کدام را بدهد؟ آیا ابتدا خمس مجموع را بدهد و بعد سراغ مال حلال برود یا برعکس؟ در این جا وجوه و اقوال مختلفی مطرح شده است. لذا به طور کلی بحث در مسأله ۳۱ در دو مقام است؛ بعد از اینکه موضوع مسأله روشن شد، باید در دو مقام بحث کنیم: یکی در کفایت تخمیس مرة واحده أو لزومه مرتین؛ باید مشخص شود که در این جا یکبار خمس دهیم یا دو بار؟

مقام دوم بعد از آن است که قائل شدیم به اینکه دو بار باید خمس دهیم؛ آن گاه نوبت به این می رسد که کیفیت اجرای تخمیس مرتین، چگونه است؟ یعنی چگونه باید این را محاسبه کنیم؟ ابتدا خمس بخش حلال را بدهیم [یعنی آن تکلیفی که از قبل بوده] و بعد خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهیم یا برعکس است؟ یا اینکه باید تفصیل داد؟ این را إن شاء الله بررسی خواهیم کرد.

### **مقام اول: بحث در کفایت یک خمس یا لزوم دو خمس**

امام(ره) در مقام اول فرموده: اگر آن حلالی که در مختلط واقع شده، از چیزهایی باشد که خمس به آن تعلق گرفته، بعد از آن که برای تحلیل مال خمس داد، [یعنی خمس مال حلال مخلوط به حرام را پرداخت]. «بعد تخمیس التحلیل»؛ یعنی کأن دو تخمیس داریم؛ یک تخمیس برای تحلیل و تطهیر مال است. معلوم است کدام تخمیس و کدام خمس، مال را پاک می کند؟ آن خمسی که متعلق شده به مال حلال مخلوط به حرام؛ یعنی ابتدا باید خمس کلّ این مال را بدهد و بعد از این، باید یک خمس دیگر بدهد که این خمس دوم، به آن مال حلالی تعلق می گیرد که فی المختلط است. لذا ابتدا خمس مال مختلط را می دهد که شامل حلال و حرام می شود؛ یعنی کل مال را در نظر می گیرد و خمس آن را پرداخت می کند. بعد از آن باید خمس مال حلال را هم بدهد.

پس ایشان در واقع قائل به دو خمس است. ایشان در ادامه بحث را در مقام دوم می برند؛ البته کیفیت اجرای این دو خمس، مطلبی است که امام(ره) در ادامه مسأله ۳۱ به آن اشاره می کند که بعداً این را توضیح خواهیم داد. علی ای حال بحث در مقام اول، این است که آیا در این موضوعی که تقریر کردیم و روشن کردیم، باید یک خمس دهیم یا دو خمس؟

### **اقوال**

در این جا دو قول در مسأله وجود دارد؛

#### **قول اول: کفایت یک خمس**

یک قول که قول ضعیفی است و گروه اندکی آن را مطرح کرده اند و حتی برخی آن را در حدّ یک احتمال متعرض شده اند، این است که در این جا یک خمس کافی است.

#### **دلیل قول اول**

دلیل این قول، ذیل روایت سکونی است. سائل در مورد مالی سؤال می کند که به او رسیده ولی حلال و حرام در آن مراعات نشده است. امام(ع) فرموده: «تصدق بخمس مالک»؛ عمده سخن از این است که می فرماید خمس بده و بعد می فرماید: «و سائر المال لک حلال»؛ بقیه مال برای تو حلال است. ظاهر این جمله، این است که وقتی خمس مال داده می شود، بقیه مال حلال است و دیگر نیازی به اعطاء خمس ثانیاً نیست. این را از ذیل روایت سکونی بدست می آوریم. توضیح ذلک:

در همین مسأله که یک حلالی متعلق خمس است و با حرام مخلوط شده است، این روایت شامل آن جا هم می‌شود؛ طبق روایت سکونی کسی که خمس این مال را بدهد، بقیه مال برای او حلال است. در این جا امام(ع) ترک استفصال کرده است. امام(ع) از راوی سؤال نکرده که آن حلالی که با حرام مخلوط شده، خودش متعلق خمس بوده یا نبوده، و در جواب هم به نحو مطلق گفته‌اند هر حلالی که مختلط با حرام شود، پس از آن که خمس آن داده شد، بقیه مال حلال می‌شود. امام(ع) در این جا استفصال نکرده و در جواب هم فرق نگذاشته و جواب ایشان مطلق است. لذا از ترک استفصال امام و اطلاق جواب ایشان نسبت به هر مال مخلوط با حرام، اعم از اینکه مال حلال متعلق خمس باشد یا نباشد، می‌توانیم استفاده کنیم «یکفی التخمیس مرة واحدة»؛ اگر یک خمس دهد کافی است.

به همین جهت محقق همدانی فرموده: «ان حمله علی ارادته من حیث الاختلاط مع وروده فی المال المجتمع بالكسب فی الازمنة السابقة الذی یتعلق به خمس الاکتساب أيضا لا یخلو من بعد». بعید نیست که بگوییم چیزی که امام فرموده، مقصود ایشان همان اختلاط با مال حلالی است که در زمان‌های سابق، از طریق اکتساب خمس به آن تعلق گرفته است. بعید نیست که شامل آن جا هم بشود یا اساساً آن جا را اراده کرده باشد. «خصوصاً مع ما فیہ من التعلیل»؛ مخصوصاً با تعلیلی که در ذیل روایت آمده است: «فَإِنَّ اللَّهَ رَضِيَ مِنَ الْأَشْيَاءِ بِالْخُمْسِ وَ سَائِرِ الْمَالِ لَكَ حَلَالٌ»<sup>۱</sup>. بنابراین طبق این قول و نظر، یک خمس کافی است و دلیل آن را هم ملاحظه فرمودید.

#### بررسی دلیل قول اول

اما به نظر می‌رسد این دلیل تمام نیست و این قول مخدوش است. چون در روایت سکونی که بحث از حلیت بقیه مال است، مقصود از این حلیت، مطلق حلیت نیست بلکه چون حلیت جهات و حیثیات مختلف دارد، باید دید حکم به حلیت ناظر به کدام جهت است. تارة حلیت از ناحیه اختلاط با حرام است؛ ملاحظه فرمودید که راه تحلیل و تطهیر مال مخلوط با حرام، تخمیس است. یعنی مال را از این جهت پاک می‌کند؛ اگر یک مالی با حرام مخلوط بود، حلیت و پاک شدن این مال، منوط به دادن خمس است. پس کسی که خمس این مال را می‌دهد، در واقع مال را از حیث اختلاط با حرام، پاک و حلال می‌کند.

اما یک حلیت هم به واسطه اداء حقوقی است که به خود مال حلال تعلق می‌گیرد. اگر کسی از راه کسب حلال [مثل استخراج معدن یا کسب و کار] مالی بدست بیاورد، چنانچه سال بر این مال بگذرد و از مؤونه زیادتر باشد، یک حقوقی برای صاحبان خمس نسبت به این مال پیدا می‌شود. تا زمانی که حق صاحبان خمس پرداخت نشود، این مال حلال نیست. ولو از راه حلال بدست آمده اما یک پنجم آن متعلق به امام و سهم سادات است. در چه صورتی این مال حلال می‌شود؟ وقتی این حق به صاحبانش داده شود و ادا شود.

پس گاهی حلیت ناشی از اداء حقوق لازم‌الای است که در خود مال حلال ثابت شده است. اگر حلیت تارة «من حیث الاختلاط بالحرام» است و آخری «من حیث اداء الحقوق المالية التي تتعلق بنفس المال الحلال» است، پس باید احراز کنیم اینکه امام در این جا فرمود: «و سائر المال لك حلال» این اشاره به کدام جهت حلیت دارد؟ ظاهر روایت و سؤال و جوابی

۱. مصباح الفقیه، ج ۱۴.

که در روایت آمده، این است که این حلیتی که در کلام امام بیان شده، اشاره به همان حلیت از ناحیه اختلاط به حرام دارد. وقتی سؤال این است که من یک مالی بدست آوردم که در آن مراعات نکرده‌ام و با مال غیر مخلوط شده و امام می‌فرماید وقتی خمس دهی این مال پاک و حلال می‌شود، معلوم است که این حلیتی که امام به آن اشاره می‌کند، فقط ناظر به همان جهت اختلاط با حرام است. یعنی می‌گوید این مشکل با خمس برطرف می‌شود؛ اما معنایش این نیست که خمس همه مشکلات مال تو را حل می‌کند. مال حلالی که قبلاً متعلق خمس بوده، یک مشکل داشته و الان که با حرام مختلط شده، یک مشکل دیگر پیدا کرده است. روایت سکونی که می‌گوید خمس بده و بقیه مال برای تو حلال می‌شود، منظورش این نیست که مال مطلقاً حلال می‌شود و همه مشکلات آن حل می‌شود، بلکه مقصود روایت این است که این مشکلی که از حیث اختلاط با حرام پیدا کرده بود، با دادن خمس برطرف می‌شود و مال حلال می‌شود. پس حلیت فقط از ناحیه اختلاط با حرام است و ناظر به آن حلیتی که بعد از اداء حقوق واجبه پدید می‌آید، نیست.

لذا ما می‌مانیم و این مال حلالی که خمس آن داده نشده است. ادله خمس اقتضا می‌کند که این خمس باید داده شود. پس خمس مرة واحده کافی نیست بلکه باید در مرحله دوم هم خمس دهد.

سؤال:

استاد: در نحوه اجرا شقوق مختلف دارد که بعداً اشاره خواهیم کرد. اما فعلاً با قطع نظر از اینکه چه مقدار است، اصلاً همین خمس را بدهد کفایت می‌کند یا خیر؟ بحث این است که کفایت نمی‌کند و این خمس را هم باید بدهد. حالا اینکه چطور باید بدهد، بحث دارد که بعداً عرض خواهیم کرد. اصل «کفایة التخمیس مرة واحدة أو التخمیس مرتین» مورد بحث است. اما آن چه که محقق همدانی فرموده، تمام نیست. چون سؤال از مطلق حق شرعی که به این مال متوجه شده، نیست. پس چرا این احتمال را محقق همدانی فرموده «لایخلو من بعد». این جا خیلی روشن است که در ادله از نحوه خلاصی از محذور حرام مختلط سؤال می‌کند. وقتی سؤال از این است، جواب هم ناظر به همین است که از این محذور چگونه می‌توان خلاص شد، اما آن حقوق شرعی که از قبل ثابت بوده، به همان کیفیتی که بوده، به قوت خودش باقی است. لذا قول اول مردود است.

شاهد: یشهد لذلک اینکه اگر همین آقایان معتقدند و قبول دارند که اگر به آن مال حلال زکات تعلق گرفته باشد، این زکات با تخمیس ساقط نمی‌شود. مثلاً فرض کنید اگر یک مال حلالی متعلق زکات بوده و بعداً با حرام مخلوط شده، این جا برای رهایی از محذور اختلاط با حرام، باید خمس بدهد. همین کسانی که قائل هستند در مانحن فیه یک خمس کافی است، آنجا نمی‌گویند یک خمس کفایت از زکات می‌کند بلکه می‌گویند باید خمس دهد تا این مال از شر اختلاط با حرام خلاص شود، آن وقت زکات آن را هم پرداخت کند.

چه فرقی بین خمس و زکات هست؟ هر دو یک حق واجب شرعی هستند که از قبل به این مال تعلق گرفته‌اند. چطور شما در باب زکات نمی‌گویید «التخمیس یکفی عن الزکاة»؟

سؤال:

استاد: تخمیس هست ولی هر کدام به یک عنوان متعلق شده است. خمس متعلق به فایده با خمس متعلق به مال حلال مخلوط به حرام، فرق می‌کند.

### اشکال

این جا جای این سؤال هست که اگر عنوان‌ها فرق می‌کند، عنوان یکی مال حلال مخلوط به حرام است و عنوان دیگری، خمس متعلق به ربح کسب است. اگر این طور است و شما می‌گویید این‌ها یکسان نیستند، فرض را در جای ببریم و فرض کنیم کسی یک مالی را بدست آورده که فایده است و دو عنوان بر آن منطبق است؛ مثلاً هم عنوان معدن و هم عنوان غوص. (البته اگر بتوانیم فرض کنیم؛ چون در برخی موارد می‌توان تصور کرد که هم عنوان معدن باشد و هم عنوان غوص؛ مثلاً یک معدن طلا در زیر دریا باشد. این جا به عنوان معدن متعلق خمس است و به عنوان غوص هم متعلق خمس است.) آیا آن جا دو خمس تعلق می‌گیرد یا یک خمس کفایت می‌کند؟ چه فرقی است بین آن جایی که دو عنوان غوص و معدن بر مال منطبق می‌شود و بین این جا که عنوان مختلط با حرام و عنوان ربح کسب یا کنز هر دو وجود دارند؟ ممکن است آن مال حلالی که متعلق خمس بوده، کنز بوده باشد یا ممکن است ربح کسب بوده است. آیا بین این دو فرقی است؟ آیا اگر در جایی عنوان غوص و عنوان معدن اجتماع کنند، دو خمس باید داد یا یک خمس؟ همه در این جا گفته‌اند یک خمس کفایت می‌کند.

این جا هم دو عنوان مجتمع شده است؛ یکی حلال مختلط به حرام و دیگری مثلاً ربح کسب. چرا این جا نمی‌گوییم اجتماع می‌کنند؟ و لعل این اشکال و این سؤال، یک شاهی برای قول اول باشد. یعنی همان طور که در مالی که دو عنوان معدن و غوص در آن مجتمع شده، یک خمس می‌دهیم، این جا هم که دو عنوان مختلط با حرام و مثلاً کنز یا غنیمت یا ربح کسب مجتمع شده، این جا هم یک خمس دهیم. این کآن می‌تواند یک شاهی برای قول اول باشد و یک اشکالی نسبت به قول دوم باشد.

**بحث جلسه آینده:** ان شاء الله فردا که دلیل قول دوم را بیان می‌کنیم، به این اشکال هم پاسخ می‌دهیم.

«الحمد لله رب العالمین»